

شناخت، رفتار، یادگیری

طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی پایه ششم دوره ابتدایی

حمید محمودی^۱، فروغ تصدیقی^۲، غلامرضا اصلانی^۳، محمد صنوبری^۴

۱. گروه علوم تربیتی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران.

۲. گروه علوم تربیتی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: fo.tasdighi@iau.ac.ir

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

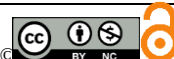
تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی برای دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی بود. پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی و با تأکید بر بخش کیفی انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان برنامه‌ریزی درسی، آموزش کارآفرینی، آموزش ابتدایی و فناوری آموزشی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و فرایند گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها با روش داده‌بنیاد و از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. تحلیل استنباطی داده‌های کیفی نشان داد که مقوله هسته پژوهش «طراحی و اجرای برنامه درسی ترکیبی مهارت‌محور کارآفرینی با تکیه بر یادگیری فعال و پروژه‌محور» است. الگوی نهایی شامل شش بعد اصلی اهداف مهارت‌محور، محتوای موقعیت‌محور، روش‌های تدریس فعال، فعالیت‌های پروژه‌ای و عملی، ارزش‌های تکوینی و عملکردمحور، و الزامات اجرایی و پشتیبانی بود. نتایج نشان داد که هم‌راستایی اهداف مهارتی، محتوای واقع‌نما، نقش تسهیلگری معلم، حمایت مدرسه و خانواده و بومی‌سازی محتوا، شرط اصلی امکان‌پذیری و اثربخشی برنامه است. برنامه درسی ترکیبی طراحی شده می‌تواند الگویی عملیاتی، بومی و قابل اجرا برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی در پایه ششم ابتدایی فراهم کند و زمینه پیوند میان یادگیری حضوری، تجربه عملی و ابزارهای ساده دیجیتال را در آموزش ابتدایی تقویت نماید.

کلیدواژه‌گان: برنامه درسی، مهارت‌های کارآفرینی، برنامه درسی ترکیبی، یادگیری پروژه‌محور، آموزش ابتدایی، پایه ششم.

شیوه استناددهی: محمودی، حمید، تصدیقی، فروغ، اصلانی، غلامرضا، و صنوبری، محمد. (۱۴۰۵). طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی پایه ششم دوره ابتدایی. شناخت، رفتار، یادگیری، ۳(۵)، ۲۱-۱.



Cognition, Behavior, Learning

Designing a Blended Curriculum for Entrepreneurship Skills for Sixth-Grade Elementary Students

Hamid Mahmoudi¹, Forough Tasdighi^{2*}, Gholamreza Aslani², Mohamad Senobari²

1. Department of Educational Sciences, Mey.C., Islamic Azad University, Meymeh, Iran.

2. Department of Educational Sciences, Dez.C., Islamic Azad University, Dezful, Iran.

*Corresponding Author's Email: fo.tasdighi@iau.ac.ir

Submit Date: 2026-02-01

Revise Date: 2026-05-28

Accept Date: 2026-06-27

Publish Date: 2026-12-11

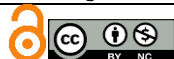
Abstract

This study aimed to design a blended curriculum for developing entrepreneurship skills among sixth-grade elementary students. The study employed an exploratory mixed-methods design with emphasis on the qualitative phase. Participants included experts in curriculum planning, entrepreneurship education, elementary education, and educational technology who were selected through purposive and snowball sampling. Data were collected using semi-structured interviews and continued until theoretical saturation was reached. The data were analyzed using grounded theory procedures, including open, axial, and selective coding, to extract the main dimensions and components of the blended entrepreneurship curriculum. The inferential analysis of qualitative data identified the core category as “designing and implementing a skill-oriented blended entrepreneurship curriculum based on active and project-based learning.” The final model consisted of six major dimensions: skill-oriented objectives, situated and realistic content, active teaching strategies, project-based and practical learning activities, formative and performance-based assessment, and implementation and support requirements. The findings indicated that the effectiveness and feasibility of the curriculum depend on the alignment of measurable skill-based objectives, contextualized content, facilitative teacher roles, transparent assessment criteria, school and family support, simple educational resources, and localization of learning experiences. The designed blended curriculum provides a practical, localized, and school-compatible framework for fostering entrepreneurship skills in sixth-grade elementary students. It can support the integration of face-to-face learning, practical experience, and simple digital tools in elementary entrepreneurship education.

Keywords: Curriculum, Entrepreneurship Skills, Blended Curriculum, Project-Based Learning, Elementary Education, Sixth Grade.



How to cite: Mahmoudi, H., Tasdighi, F., Aslani, Gh., Senobari, M. (2026). Designing a Blended Curriculum for Entrepreneurship Skills for Sixth-Grade Elementary Students. *Cognition, Behavior, Learning*, 3(5), 1-21.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، آموزش کارآفرینی به یکی از محورهای مهم تحول در نظام‌های آموزشی تبدیل شده است؛ زیرا جوامع معاصر، بیش از هر زمان دیگر، با تغییرات فناورانه، ناپایداری‌های اقتصادی، پیچیدگی بازار کار و ضرورت پرورش نسل‌هایی خلاق، مسئله‌محور و توانمند در تصمیم‌گیری روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، مدرسه دیگر نمی‌تواند صرفاً نهادی برای انتقال دانش نظری باشد، بلکه باید زمینه‌ای برای پرورش شایستگی‌هایی فراهم کند که دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی، مشارکت اجتماعی، حل مسئله، مدیریت منابع، کار گروهی و خلق ارزش آماده سازد. کارآفرینی در معنای تربیتی آن، محدود به ایجاد کسب‌وکار یا فعالیت اقتصادی رسمی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که به فرد کمک می‌کند فرصت‌ها را تشخیص دهد، ایده‌ها را به عمل تبدیل کند، با عدم قطعیت مواجه شود، منابع محدود را مدیریت نماید و در تعامل با دیگران برای تولید ارزش فردی، اجتماعی یا اقتصادی اقدام کند (Rixon et al., 2026; Widodo et al., 2025; Winarno et al., 2025). از این‌رو، آموزش کارآفرینی در دوره‌های عمومی تحصیل، به‌ویژه در دوره ابتدایی، اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا بسیاری از نگرش‌ها و عادت‌های شناختی، اجتماعی و انگیزشی افراد در همین سال‌ها شکل می‌گیرد.

ادبیات جدید آموزش کارآفرینی نشان می‌دهد که موفقیت برنامه‌های آموزشی این حوزه وابسته به رویکردی جامع و شایستگی‌محور است. در این رویکرد، صرف آشنایی دانش‌آموز با مفاهیم کارآفرینی کافی نیست، بلکه برنامه درسی باید زمینه رشد مجموعه‌ای از شایستگی‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی، عملی و ارزشی را فراهم کند. پژوهش‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند که شایستگی‌های کارآفرینانه شامل خلاقیت، نوآوری، خودکارآمدی، پشتکار، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری حساب‌شده، تفکر فرصت‌محور، توانایی ارتباطی، همکاری، تصمیم‌گیری و حل مسئله است و این شایستگی‌ها زمانی پایدار می‌شوند که در قالب تجربه‌های واقعی، فعالیت‌های گروهی و موقعیت‌های مسئله‌محور تمرین شوند (Bauman & Lucy, 2021; Tittel & Terzidis, 2020). بنابراین، طراحی برنامه درسی کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی باید از آموزش مفاهیم انتزاعی فراتر رود و به پرورش توانایی‌های قابل مشاهده و قابل سنجش در موقعیت‌های آموزشی واقعی منجر شود.

یکی از مباحث مهم در آموزش کارآفرینی، نقش نگرش و ذهنیت کارآفرینانه در تبدیل آموزش به رفتار است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش کارآفرینی هنگامی می‌تواند بر نیت، رفتار و قابلیت اقدام فراگیران اثر بگذارد که ذهنیت کارآفرینانه را تقویت کند؛ یعنی دانش‌آموزان بیاموزند که فرصت‌ها قابل کشف، مسائل قابل حل، شکست بخشی از مسیر یادگیری، و تلاش مستمر عاملی برای رشد است (Mukhtar et al., 2021). در همین راستا، خلاقیت کارآفرینانه نیز به عنوان یکی از پیامدهای مهم آموزش کارآفرینی شناخته می‌شود. آموزش کارآفرینی زمانی می‌تواند خلاقیت را ارتقا دهد که الهام‌بخش باشد، کنجکاوی را تحریک کند، دانش‌آموز را در معرض چالش قرار دهد و به او اجازه دهد راه‌حل‌های متنوع و اصیل برای مسائل واقعی ارائه کند (Wang et al., 2022). بر این اساس، برنامه درسی کارآفرینی در پایه ششم باید نه تنها دانشی درباره کسب‌وکار یا اقتصاد ساده ارائه دهد، بلکه باید امکان تجربه، انتخاب، آزمون ایده، دریافت بازخورد و اصلاح مسیر را فراهم آورد.

اهمیت ابعاد عاطفی و اجتماعی در آموزش کارآفرینی نیز در پژوهش‌های جدید به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. کارآفرینی نیازمند تعامل با دیگران، درک نیازها، مدیریت هیجان، برقراری ارتباط مؤثر، همکاری و مسئولیت‌پذیری است. از این منظر، هوش هیجانی و هوش اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری توانایی‌های کارآفرینانه دارند؛ زیرا دانش‌آموزی که بتواند احساسات خود را بشناسد، انگیزش خود را حفظ کند، شکست را مدیریت کند و با دیگران ارتباط سازنده برقرار نماید، آمادگی بیشتری برای رفتار کارآفرینانه خواهد داشت (Adeosun & Aruleba, 2025). همچنین مفهوم اشتیاق و پشتکار در آموزش کارآفرینی، به‌ویژه برای تبدیل ایده به عمل، اهمیت دارد. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که شور و علاقه کارآفرینانه می‌تواند از طریق تقویت پشتکار به خودکارآمدی منجر شود و خودکارآمدی نیز زمینه اقدام، تداوم تلاش و رشد کارآفرینانه را تقویت می‌کند (Tarrats-Pons, 2025). این یافته‌ها برای دوره ابتدایی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دانش‌آموزان در این سن به تجربه‌های موفقیت‌آمیز کوچک، بازخورد مثبت و فرصت‌هایی برای تقویت اعتمادبه‌نفس نیاز دارند.

در سطح برنامه درسی، یکی از چالش‌های اصلی آموزش کارآفرینی، تبدیل مفاهیم گسترده و گاه انتزاعی به محتوای آموزشی مناسب سن، بافت فرهنگی و امکانات مدرسه است. برنامه درسی کارآفرینی باید شامل اهداف روشن، محتوای قابل فهم، فعالیت‌های عملی، روش‌های تدریس فعال و ارزشیابی عملکردی باشد. برخی پژوهش‌ها در زمینه برنامه درسی نوآوری و کارآفرینی نشان داده‌اند که محتوای آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش و مهارت‌های کارآفرینانه را در ارتباط با موقعیت‌های واقعی و نیازهای جامعه آموزش دهد (Afeli & Adunlin, 2022). همچنین مدل‌هایی که برای تحریک مهارت‌های کارآفرینانه در بافت‌های آموزشی مختلف ارائه شده‌اند، نشان می‌دهند که آموزش کارآفرینی باید با زمینه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراگیران سازگار شود و از روش‌های فعال، تعاملی و تجربه‌محور بهره گیرد (Olutuase et al., 2023). این مسئله برای نظام آموزشی ایران و به‌ویژه پایه ششم ابتدایی اهمیت دارد؛ زیرا برنامه‌ای موفق خواهد بود که علاوه بر اتکا به مبانی نظری معتبر، با ساختار مدرسه، زمان آموزشی، توان معلمان، منابع موجود و ویژگی‌های رشدی کودکان هماهنگ باشد.

توجه به پایه ششم ابتدایی از منظر رشدی و برنامه‌ای اهمیت خاصی دارد. دانش‌آموزان این پایه در آستانه ورود به دوره متوسطه اول قرار دارند و به تدریج توانایی بیشتری برای تفکر انتزاعی، برنامه‌ریزی، تحلیل پیامدها، کار گروهی هدفمند و پذیرش نقش‌های اجتماعی پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، پایه ششم در برنامه درسی دوره ابتدایی ظرفیت مناسبی برای تلفیق مهارت‌های کارآفرینی با موضوعاتی مانند کار و فناوری، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، ریاضی کاربردی، سواد مالی مقدماتی و فعالیت‌های گروهی دارد. با وجود این، مطالعات داخلی نشان داده‌اند که مؤلفه‌های راهنمایی شغلی و کارآفرینی در کتاب‌های درسی پایه ششم و دوره متوسطه اول به‌صورت پیوسته، منسجم و هدفمند سازمان‌دهی نشده‌اند و الگوهای موجود برای آماده‌سازی مسیر شغلی و کارآفرینانه دانش‌آموزان کفایت لازم را ندارند (Dehaghan, 2021). بنابراین، نیاز به طراحی برنامه‌ای مستقل، نظام‌مند، قابل اجرا و متناسب با پایه ششم، یکی از خلأهای مهم برنامه درسی در آموزش عمومی است.

یکی دیگر از تحولات مهم در آموزش کارآفرینی، گسترش یادگیری ترکیبی و استفاده از فناوری‌های آموزشی است. یادگیری ترکیبی با تلفیق آموزش حضوری و مجازی، امکان ایجاد تجربه‌های متنوع و انعطاف‌پذیر را فراهم می‌کند. در آموزش کارآفرینی، این رویکرد می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در فضای حضوری به گفت‌وگو، همکاری و فعالیت عملی بپردازند و در فضای دیجیتال از شبیه‌سازی‌ها، محتوای چندرسانه‌ای، بازخوردهای تعاملی، فعالیت‌های تکمیلی و تمرین‌های فردی استفاده کنند. مرور نظام‌مند آموزش کارآفرینی آنلاین و ترکیبی نشان داده است که فناوری‌های آموزشی می‌توانند فرصت‌های ارزشمندی برای افزایش مشارکت، شخصی‌سازی یادگیری، شبیه‌سازی موقعیت‌های کارآفرینانه و تحلیل رفتار یادگیری فراهم کنند (Chen et al., 2021). افزون بر این، پژوهش‌ها درباره آموزش مجازی و محیط‌های تعاملی نشان داده‌اند که ابزارهای فناورانه، اگر به‌درستی طراحی شوند، می‌توانند تمرین، بازخورد و آمادگی معلمان و فراگیران را بهبود بخشند (Delamarre et al., 2021). بنابراین، برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی برای پایه ششم باید از فناوری نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان ابزاری ساده، هدفمند و کم‌هزینه برای تقویت تجربه‌های یادگیری استفاده کند.

در سال‌های اخیر، مفهوم کارآفرینی دیجیتال و تأثیر فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، بر آموزش کارآفرینی برجسته‌تر شده است. آموزش کارآفرینی در عصر دیجیتال باید دانش‌آموزان را برای مواجهه با جهان متغیر فناوری، تفکر نوآورانه، استفاده اخلاقی از ابزارهای دیجیتال و خلق ارزش در محیط‌های جدید آماده کند. مرورهای جدید درباره آموزش کارآفرینی دیجیتال نشان داده‌اند که برای کاهش شکاف‌های موجود، باید راهبردهای یادگیری نوآورانه، حمایت نهادی، توانمندسازی معلمان و طراحی منعطف برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد (Chotisarn & Phuthong, 2026). همچنین مطالعات کتاب‌سنجی جدید درباره تحول آموزش کارآفرینی در عصر هوش مصنوعی بر این نکته تأکید دارند که آینده این حوزه به ترکیب مهارت‌های انسانی، تفکر خلاق، سواد دیجیتال و استفاده هوشمندانه از فناوری وابسته است (Elsa et al., 2026). از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش مصنوعی می‌تواند از طریق شتاب‌دهی به فرایند ایده‌پردازی، تحلیل فرصت‌ها، ارائه بازخورد و پشتیبانی از یادگیری شخصی‌سازی‌شده، آموزش کارآفرینی را متحول سازد (Thottoli et al., 2025). با

این حال، در دوره ابتدایی باید استفاده از فناوری به صورت ساده، ایمن، اخلاقی و متناسب با سن دانش‌آموزان طراحی شود تا ابزار دیجیتال جایگزین تجربه واقعی و تعامل انسانی نشود.

نقش معلم و رهبری آموزشی نیز در اجرای موفق برنامه درسی کارآفرینی بسیار تعیین‌کننده است. حتی بهترین برنامه درسی، بدون معلمانی که بتوانند نقش تسهیلگر، راهنما، طراح موقعیت یادگیری و ارائه‌دهنده بازخورد را ایفا کنند، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. آموزش کارآفرینی نیازمند تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیلگر یادگیری فعال است. معلم باید بتواند پرسش‌های باز مطرح کند، فعالیت گروهی را مدیریت نماید، شکست‌های کوچک را به فرصت یادگیری تبدیل کند، به دانش‌آموزان در طراحی و اجرای ایده‌ها کمک کند و معیارهای ارزشیابی را شفاف سازد. در سطح نهادی نیز رهبری آموزشی نقش مهمی در ترویج فرهنگ کارآفرینی، پشتیبانی از معلمان، تأمین منابع و ایجاد ارتباط میان مدرسه و جامعه دارد (Yasmeen, 2025). همچنین تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی، به‌ویژه در مدارس حرفه‌ای و مهارتی، هنگامی موفق‌تر است که بین محتوای آموزشی، تجربه عملی، نیاز بازار، حمایت مدرسه و فرصت‌های واقعی یادگیری پیوند برقرار شود (Widodo et al., 2025). این یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی برنامه درسی ترکیبی برای پایه ششم باید علاوه بر اهداف و محتوا، به الزامات اجرایی، توانمندسازی معلم، حمایت مدیریتی و مشارکت خانواده نیز توجه داشته باشد.

از منظر اجتماعی، آموزش کارآفرینی تنها به رشد فردی دانش‌آموزان محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به توسعه اجتماعی، تقویت مشارکت، ایجاد نگرش مسئولانه و آمادگی برای حل مسائل جامعه نیز کمک کند. در این زمینه، آموزش کارآفرینی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا دانش‌آموزان می‌آموزند که کارآفرینی صرفاً به معنای کسب سود نیست، بلکه می‌تواند ابزاری برای حل مسائل اجتماعی، بهبود محیط مدرسه، کمک به جامعه محلی و خلق ارزش جمعی باشد. طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی اجتماعی نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی باید به ابعاد اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، همکاری، همدلی و حل مسئله اجتماعی توجه کنند (Tatpuje et al., 2025). همچنین ارتباط میان آموزش کارآفرینی، نهادهای اجتماعی و تجربه‌های کسب‌وکار نشان می‌دهد که رشد کارآفرینانه در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه به حمایت‌های نهادی، تجربه‌های واقعی و تعامل با محیط اجتماعی وابسته است (Winarno et al., 2025). این موضوع برای دانش‌آموزان پایه ششم می‌تواند از طریق پروژه‌های کوچک مدرسه‌ای، بازارچه‌های آموزشی، فعالیت‌های گروهی، حل مسائل محیط مدرسه و ایده‌های ساده برای کمک به خانواده یا محله تحقق یابد.

در کنار کاربردهای عمومی، گسترش آموزش کارآفرینی در حوزه‌های تخصصی مانند سلامت و پرستاری نیز نشان‌دهنده آن است که کارآفرینی به یک شایستگی فرارشته‌ای تبدیل شده است. مرور پژوهش‌های حوزه آموزش کارآفرینی برای پرستاران و متخصصان سلامت نشان می‌دهد که مهارت‌های کارآفرینانه مانند نوآوری، حل مسئله، رهبری، تشخیص فرصت و خلق ارزش، صرفاً متعلق به حوزه کسب‌وکار نیستند، بلکه در حرفه‌های انسانی و خدماتی نیز ضرورت دارند (Rixon et al., 2026). این نگاه فرارشته‌ای برای آموزش ابتدایی اهمیت دارد؛ زیرا در پایه ششم هدف اصلی تربیت کارآفرین اقتصادی نیست، بلکه پرورش دانش‌آموزی است که بتواند در موقعیت‌های گوناگون زندگی، مدرسه و جامعه، خلاقانه فکر کند، مسئولانه عمل کند و برای مسائل راه‌حل ارائه دهد. از این رو، برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی باید کارآفرینی را به مثابه یک شایستگی زندگی و نه صرفاً یک مهارت شغلی محدود تعریف کند.

با وجود اهمیت نظری و عملی آموزش کارآفرینی، شواهد نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های آموزشی، میان سیاست‌های اعلامی و اجرای واقعی برنامه‌های کارآفرینی فاصله وجود دارد. این فاصله معمولاً در نبود اهداف عملیاتی، محتوای پراکنده، روش‌های تدریس سنتی، نبود ارزشیابی عملکردمحور، کمبود منابع، آمادگی ناکافی معلمان و ضعف در پیوند مدرسه با محیط اجتماعی دیده می‌شود. در آموزش ابتدایی ایران نیز هرچند در اسناد کلان بر تربیت اقتصادی، مهارت‌آموزی، خلاقیت و آمادگی برای زندگی تأکید شده است، اما این اهداف به برنامه‌ای منسجم، ترکیبی، بومی، عملیاتی و متناسب با پایه ششم تبدیل نشده‌اند. بنابراین، خلأ اصلی نه صرفاً فقدان اشاره به کارآفرینی، بلکه نبود یک برنامه درسی طراحی‌شده بر پایه شواهد، دیدگاه خبرگان، نیازهای رشدی دانش‌آموزان، امکانات واقعی مدرسه و قابلیت‌های یادگیری ترکیبی است.

چنین برنامه‌ای باید دارای اهداف مهارت‌محور، محتوای موقعیت‌محور، روش‌های فعال، فعالیت‌های پروژه‌ای، ارزشیابی تکوینی و عملکردمحور، و الزامات اجرایی روشن باشد تا بتواند از سطح توصیه‌های کلی به سطح اجرا در کلاس درس منتقل شود.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی برای دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی است.

روش‌شناسی

به‌منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش (برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی در پایه ششم دوره ابتدایی دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است؟)، از رویکرد کیفی-کمی با طرح آمیخته اکتشافی استفاده شده است. در این مرحله، تمرکز اصلی بر بخش کیفی پژوهش است؛ زیرا طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی مستلزم استخراج عمیق ابعاد و مؤلفه‌ها بر اساس تجارب، دیدگاه‌ها و دانش خبرگان حوزه برنامه‌درسی و کارآفرینی است. به همین منظور، از روش داده‌بنیاد به‌عنوان روش کیفی بهره گرفته شده است تا نظریه یا الگوی برنامه درسی به‌صورت برآمده از داده‌ها شکل گیرد. جامعه پژوهش در این بخش شامل اساتید، خبرگان و متخصصان رشته برنامه‌درسی و کارآفرینی است که دارای تجربه علمی یا عملی مرتبط با آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی می‌باشند. با توجه به ماهیت پژوهش‌های کیفی، انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌شود و به‌منظور شناسایی خبرگان بیشتر و غنی‌سازی داده‌ها، از روش گلوله‌برفی نیز استفاده خواهد شد. فرایند گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه می‌یابد. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که امکان طرح پرسش‌های هدایت‌شده و در عین حال انعطاف‌پذیر را فراهم می‌سازد. این نوع مصاحبه به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا ضمن حفظ چارچوب سؤالات پژوهش، دیدگاه‌ها، تجارب و پیشنهاد‌های خبرگان را به‌صورت عمیق و تفصیلی استخراج نماید. مصاحبه‌ها پس از کسب رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان انجام و به‌طور کامل ثبت و پیاده‌سازی می‌شوند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر مراحل کلاسیک روش داده‌بنیاد است و از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام می‌گیرد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج می‌شود؛ در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم هم‌خانواده در قالب مقوله‌ها و مؤلفه‌های مرتبط سازمان‌دهی می‌شوند؛ و در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی، ارتباط میان مقوله‌ها تبیین شده و ابعاد اصلی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی در پایه ششم دوره ابتدایی شکل می‌گیرد. خروجی این مرحله، الگوی مفهومی برنامه درسی ترکیبی است که مبنای طراحی ابزارهای کمی و مراحل بعدی اعتبارسنجی و ارزیابی اثربخشی قرار خواهد گرفت. در بخش کیفی مبتنی بر مصاحبه، گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. منظور از اشباع نظری در این پژوهش، مرحله‌ای بود که در آن مصاحبه‌های جدید دیگر منجر به شناسایی کد، مفهوم، مؤلفه یا رابطه مفهومی تازه‌ای در زمینه طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی نشدند. برای تشخیص اشباع نظری، پس از هر مصاحبه، متن پیاده‌سازی‌شده مصاحبه کدگذاری و با کدها و مقوله‌های قبلی مقایسه شد. در این فرایند، از مصاحبه‌های شماره ۱ تا ۱۲ کدها و مفاهیم اصلی به‌تدریج استخراج شد. در مصاحبه‌های شماره ۱۳ و ۱۴ داده‌های جدید عمدتاً تکرار و تأییدکننده مقوله‌های قبلی بودند و مفهوم بنیادین تازه‌ای به الگو اضافه نشد. مصاحبه شماره ۱۵ نیز به‌عنوان مصاحبه تأییدی انجام شد تا پایداری مقوله‌ها و کفایت داده‌ها بررسی شود. بنابراین، پس از انجام ۱۵ مصاحبه، اشباع نظری احراز شد. برای افزایش دقت در تشخیص اشباع، سه معیار مورد توجه قرار گرفت: تکرارپذیری کدهای اصلی، عدم ظهور مقوله جدید در مصاحبه‌های پایانی، و کفایت داده‌ها برای تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط میان اجزای برنامه درسی ترکیبی. بر این اساس، توقف مصاحبه‌ها نه بر پایه عدد از پیش تعیین‌شده، بلکه بر اساس کفایت نظری داده‌ها و عدم ظهور اطلاعات جدید انجام گرفت.

یافته‌ها

به‌منظور طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی پایه ششم، از رویکرد کیفی با روش داده‌بنیاد و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. خبرگان شامل اعضای هیئت علمی حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزش کارآفرینی و نیز برخی متخصصان دارای تجربه اجرایی مرتبط بودند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند آغاز و با تکنیک گلوله‌برفی تکمیل گردید. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید منجر

به تولید کد یا مقوله تازه نشود و اشباع نظری حاصل گردد؛ بدین معنا که در چند مصاحبه پایانی، صرفاً تکرار مفاهیم و تعمیق مقوله‌های موجود مشاهده شد و افزوده مفهومی معناداری ایجاد نگردید. برای افزایش اطمینان از کفایت نمونه، علاوه بر قضاوت پژوهشگر درباره اشباع، روند استخراج کدها به صورت مرحله‌ای پیش شد و «ترخ کدهای جدید» در هر مصاحبه ثبت گردید. در نتیجه، مرحله گردآوری داده‌های کیفی در نقطه اشباع متوقف و مراحل کدگذاری و استخراج الگوی نهایی دنبال شد.

جدول ۱. مشخصات خبرگان پژوهش

کد خبره	حوزه تخصصی	مدرک/مرتبه علمی	تعداد جلسات/مدت مصاحبه	محل فعالیت	سابقه اجرایی مرتبط (سال)	سابقه علمی (سال)
E1	برنامه‌ریزی درسی	دکتری/دانشیار	۱ جلسه / ۶۰ دقیقه	دانشگاه (گروه علوم تربیتی)	۸	۱۸
E2	آموزش کارآفرینی	دکتری/استادیار	۱ جلسه / ۵۵ دقیقه	دانشگاه کارآفرینی/مدیریت	۶	۱۲
E3	برنامه‌ریزی درسی (ابتدایی)	دکتری/استاد	۱ جلسه / ۷۰ دقیقه	دانشگاه (گروه برنامه‌ریزی درسی)	۱۰	۲۳
E4	آموزش ابتدایی و روش تدریس	دکتری/استادیار	۱ جلسه / ۵۰ دقیقه	دانشگاه فرهنگیان	۱۲	۹
E5	ارزشیابی آموزشی	دکتری/دانشیار	۱ جلسه / ۶۵ دقیقه	دانشگاه (گروه سنجش و اندازه‌گیری)	۷	۱۶
E6	روان‌شناسی (انگیزش/خودکارآمدی)	تربیتی	۱ جلسه / ۵۵ دقیقه	دانشگاه (گروه روان‌شناسی)	۵	۱۰
E7	طراحی آموزشی و یادگیری ترکیبی	دکتری/استادیار	۱ جلسه / ۶۰ دقیقه	دانشگاه (فناوری آموزشی)	۴	۸
E8	برنامه‌ریزی (سیاست‌گذاری)	آموزشی	۱ جلسه / ۶۵ دقیقه	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۹	۱۴
E9	آموزش و پرورش ابتدایی	کارشناسی ارشد/کارشناس ارشد	۱ جلسه / ۴۵ دقیقه	اداره آموزش و پرورش خرم‌آباد	۱۵	۰
E10	مدیریت آموزشی (مدیر مدرسه)	کارشناسی ارشد	۱ جلسه / ۴۵ دقیقه	مدرسه دولتی ابتدایی	۱۷	۰
E11	معلم پایه ششم (تجربه اجرایی فعالیت‌های مهارتی)	کارشناسی/معلم خبره	۱ جلسه / ۴۰ دقیقه	مدارس ابتدایی شهر خرم‌آباد	۱۴	۰
E12	کار و فناوری / فعالیت‌های مهارتی	کارشناسی ارشد/کارشناس آموزشی	۱ جلسه / ۵۰ دقیقه	اداره آموزش و پرورش (کارشناس دوره ابتدایی)	۱۱	۰

در این نمونه، ۱۲ خبره در دو گروه «دانشگاهی» و «میدانی/اجرایی» در نظر گرفته شده‌اند تا هم اعتبار نظری و هم واقع‌گرایی اجرایی برنامه درسی تقویت شود. منظور از سابقه علمی، سابقه فعالیت دانشگاهی/پژوهشی (تدریس/پژوهش/انتشار) است؛ برای خبرگان صرفاً اجرایی، مقدار صفر به معنای نداشتن سابقه رسمی دانشگاهی است.

جدول ۲. کدهای استخراج شده در هر مصاحبه

شماره مصاحبه	تعداد کدهای جدید	تعداد کدهای اولیه استخراج شده	وضعیت اشباع
۱	۲۸	۵۲	غیر اشباع
۲	۲۲	۴۸	غیر اشباع
۳	۱۸	۴۶	غیر اشباع
۴	۱۴	۴۳	غیر اشباع
۵	۱۰	۴۰	نزدیک به اشباع
۶	۷	۳۸	نزدیک به اشباع
۷	۵	۳۶	نزدیک به اشباع

۸	۳	۳۵	اشباع نسبی
۹	۲	۳۴	اشباع نسبی
۱۰	۱	۳۳	اشباع نسبی
۱۱	۰	۳۳	اشباع کامل
۱۲	۰	۳۲	اشباع کامل (تأییدی)

مطابق جدول شماره ۲، روند کاهش کدهای جدید از مصاحبه‌های میانی آغاز شد و از مصاحبه شماره ۱۱ به بعد، کد جدید معناداری تولید نگردید؛ از این‌رو، مصاحبه دوازدهم به‌عنوان مصاحبه تأییدی انجام شد و فرآیند گردآوری داده‌ها در نقطه اشباع متوقف گردید.

نتایج کدگذاری باز (مفاهیم اولیه): در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد و گزاره‌های کلیدی مرتبط با طراحی برنامه درسی کارآفرینی در پایه ششم استخراج گردید. سپس برای هر گزاره، یک یا چند «کد اولیه» تعیین شد. کدهای اولیه عمدتاً پیرامون محورهای مانند مهارت‌محوری اهداف، واقعی‌نما بودن یادگیری، پروژه‌محور بودن فعالیت‌ها، نقش تسهیلگری معلم، ارزشیابی عملکردمحور، و ضرورت بومی‌سازی محتوا شکل گرفت. این مرحله به تولید مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه انجامید که مبنای مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری قرار گرفت. از منظر محتوایی، کدهای اولیه نشان دادند که خبرگان بر «قابل اجرا بودن» برنامه در مدرسه تأکید ویژه دارند؛ یعنی برنامه باید با زمان‌بندی مدرسه، امکانات و سطح رشدی دانش‌آموز سازگار باشد. همچنین بر «تعادل» بین یادگیری حضوری، فعالیت‌های کلاسی، و استفاده حداکلی اما هدفمند از ابزارهای ساده (در قالب یادگیری ترکیبی) تأکید شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی برنامه درسی ترکیبی در این پژوهش باید هم جنبه آموزشی-مهارتی و هم جنبه اجرایی-سازمانی را پوشش دهد.

جدول ۳. نمونه نتایج کدگذاری باز (گزاره‌ها و کدهای اولیه منتخب از مصاحبه‌ها)

ردیف	گزاره منتخب از مصاحبه	کد اولیه	یادداشت تحلیلی
۱	هدف‌ها باید متناسب با سن و قابل سنجش باشد.	سنجش‌پذیری و تناسب رشدی اهداف	پیوند مستقیم با طراحی ارزشیابی
۲	هدف‌ها باید مهارت‌محور باشد نه صرفاً دانشی.	هدف‌گذاری مهارت‌محور	جلوگیری از نظری‌زدگی برنامه
۳	بچه‌ها باید ایده را به یک کار واقعی تبدیل کنند.	تبدیل ایده به عمل	ضرورت فعالیت‌های عملی
۴	فعالیت‌ها باید واقعی‌نما باشد تا بچه‌ها حس کنند به درد زندگی می‌خورد.	واقعی‌نما بودن یادگیری	افزایش معنا و پذیرش یادگیری
۵	کار گروهی باید با نقش‌دهی روشن باشد.	نقش‌پذیری و تقسیم کار	شرط کاهش تعارض گروهی
۶	در گروه‌ها باید مسئولیت‌پذیری تمرین شود، نه فقط کنار هم بودن.	مسئولیت‌پذیری گروهی	تمایز کار تیمی واقعی از کار ظاهری
۷	معلم باید تسهیلگر باشد نه فقط انتقال‌دهنده.	نقش تسهیلگری معلم	شرط اجرای روش‌های فعال
۸	معلم باید بتواند بحث را هدایت کند و اجازه دهد بچه‌ها تجربه کنند.	هدایت‌گری فعال	مدیریت فرایند یادگیری به جای کنترل صرف
۹	یادگیری باید با تجربه و عمل همراه باشد نه سخنرانی.	یادگیری تجربی	زیرساخت روش تدریس کارآفرینی
۱۰	مسئله‌های ساده زندگی روزمره برای این سن بهترین نقطه شروع است.	مسئله‌محوری آموزشی	پیوند مهارت‌ها با موقعیت‌های ملموس
۱۱	به بچه‌ها فرصت بدهید راه‌حل‌های مختلف بدهند؛ یک جواب درست کافی نیست.	فعالیت چندراه‌حلی	بسترسازی خلاقیت و انعطاف‌پذیری

۱۲	خلاقیت با پرسش‌های باز و آزادی در انتخاب روش انجام کار رشد می‌کند.	پرسش‌های باز و اختیار عمل	عامل تقویت خلاقیت
۱۳	تمرین تصمیم‌گیری باید در موقعیت‌های واقعی اتفاق بیفتد.	تصمیم‌گیری موقعیتی	ضرورت سناریو و نقش‌آفرینی
۱۴	اگر از شکست بترسند، ایده نمی‌دهند.	کاهش ترس از شکست	پیوند مستقیم با خودباوری
۱۵	خودباوری با تجربه موفقیت‌های کوچک بالا می‌رود.	تقویت تدریجی	طراحی گام‌به‌گام فعالیت‌ها
۱۶	پروژه‌ها باید کوتاه، ساده و قابل اجرا باشد.	پروژه کوتاه‌مدت واقعی‌نما	تناسب با محدودیت زمان مدرسه
۱۷	پروژه باید محصول داشته باشد؛ حتی یک پوستر یا غرفه کوچک.	خروجی/محصول آموزشی	امکان ارزشیابی عملکردی
۱۸	دانش آموز باید یاد بگیرد منابع محدود را مدیریت کند؛ زمان، ابزار، هزینه.	مدیریت منابع محدود	مولفه مهارت اجرایی کارآفرینی
۱۹	کاربرگ و ابزارهای ساده کمک می‌کند برنامه عملی شود.	منابع آموزشی ساده	کاهش هزینه اجرا و افزایش قابلیت اجرا
۲۰	اگر زمان‌بندی دقیق نباشد، برنامه در مدرسه اجرا نمی‌شود.	ضرورت جلسات	زمان‌بندی شرط امکان‌پذیری مدرسه‌ای
۲۱	حمایت مدیر مدرسه برای هماهنگی کلاس‌ها لازم است.	حمایت مدیریتی	شرط پایداری اجرا
۲۲	خانواده باید در جریان باشد و نگاه حمایتی داشته باشد.	مشارکت و حمایت خانواده	افزایش انگیزش و تداوم
۲۳	مثال‌ها باید بومی و قابل لمس باشند.	بومی‌سازی محتوا	افزایش پذیرش در مدرسه
۲۴	وقتی مثال‌ها محلی باشد، بچه‌ها مشارکت بیشتری می‌کنند.	افزایش مشارکت از طریق بومی‌سازی	اثر غیرمستقیم بر اثربخشی
۲۵	ارزشیابی باید بر اساس عملکرد و محصول باشد.	ارزشیابی عملکردمحور	نیاز به معیارهای شفاف
۲۶	معیارها باید از قبل گفته شود تا دانش آموز بداند چه چیزی مهم است.	شفافیت معیارهای ارزشیابی	کاهش ابهام و افزایش عدالت آموزشی
۲۷	بازخورد مستمر مهم‌تر از نمره نهایی است.	بازخورد تکوینی	تقویت انگیزش و اصلاح مسیر
۲۸	پوشه‌کار کمک می‌کند رشد بچه را در طول زمان ببینیم.	استفاده از پوشه‌کار	ابزار پایش تکوینی
۲۹	یادگیری مشارکتی باعث شکل‌گیری مهارت ارتباطی می‌شود.	یادگیری مشارکتی	پیوند روش تدریس با مهارت اجتماعی
۳۰	برنامه باید با امکانات مدرسه سازگار باشد و توقع غیرواقعی ایجاد نکند.	واقع‌گرایی اجرایی	شرط مداخله‌گر در اثربخشی
۳۱	ترکیب روش‌ها با ابزارهای ساده دیجیتال می‌تواند جذابیت ایجاد کند.	یادگیری ترکیبی کم‌هزینه	افزایش انگیزش بدون بار مالی
۳۲	در پایان هر جلسه باید جمع‌بندی و بازاندیشی داشته باشیم.	بازاندیشی پایانی	تثبیت یادگیری و خودتنظیمی

جدول زیر (جدول تجمیعی کدهای اولیه) نشان می‌دهد که داده‌های حاصل از مصاحبه خبرگان، به مجموعه‌ای منسجم از «کدواژه‌های واژه‌محور» تبدیل شده است که هر کدام دارای تعریف عملیاتی، نمونه شواهد و جایگاه مشخص در ساختار تحلیلی پژوهش هستند. این جدول با برقرار کردن پیوند بین کدهای اولیه و مقوله‌های محوری و سپس ابعاد نهایی برنامه درسی، امکان ردیابی مسیر استنتاج (از گزاره‌های مصاحبه

تا شکل‌گیری مؤلفه‌ها و ابعاد) را فراهم می‌کند و شفافیت فرایند داده‌بنیاد را افزایش می‌دهد. همچنین، درج کد خبرگان اشاره‌کننده برای هر کد، نشان می‌دهد که مقوله‌های اصلی (نظیر هدف‌گذاری مهارت‌محور، پروژه‌محور، راهبردهای یادگیری فعال، ارزشیابی تکوینی/عملکردی و الزامات اجرایی مانند نقش معلم و امکان‌پذیری مدرسه‌ای) نه حاصل نظر یک فرد، بلکه حاصل همگرایی دیدگاه‌های چندگانه خبرگان دانشگاهی و اجرایی است؛ از این‌رو، جدول مذکور پشتوانه‌ای برای اعتبارپذیری الگوی نهایی برنامه درسی ترکیبی و مبنایی برای طراحی راهنمای مصاحبه و ابزارهای کمی (پرسشنامه‌های اعتبارسنجی و اثربخشی) محسوب می‌شود.

جدول ۴. نتایج تجمیعی «همه کدهای اولیه» استخراج‌شده از مصاحبه‌ها (کدواژه‌ها + تعریف + نسبت با الگو)

ردیف	کد اولیه (واژه‌محور)	تعریف عملیاتی کوتاه	بُعد نهایی	مقوله محوری	نمونه شواهد (گزاره خبرگان اشاره‌کننده (کدها))
۱	سنجش‌پذیری اهداف	اهداف روشن و قابل اندازه‌گیری	اهداف	هدف‌گذاری مهارت‌محور	هدف‌ها باید قابل سنجش باشد. E۱, E۳
۲	تناسب رشدی اهداف	تناسب اهداف با سن و ویژگی‌های پایه ششم	اهداف	هدف‌گذاری مهارت‌محور	متناسب با سن دانش‌آموز باشد. E۳, E۴
۳	مهارت‌محوری اهداف	تمرکز هدف‌ها بر مهارت نه اطلاعات	اهداف	هدف‌گذاری مهارت‌محور	هدف‌ها مهارتی تعریف شود. E۱, E۲
۴	ارتباط با نیاز جامعه	پیوند اهداف/محتوا با زندگی واقعی	اهداف/محتوا	ارتباط با زندگی واقعی	به درد زندگی بخورد. E۸, E۹
۵	واقعی‌نما یادگیری	بودن موقعیت‌های آموزشی شبیه زندگی واقعی	محتوا/فعالیت	ارتباط با زندگی واقعی	مثال‌های واقعی بیاوریم. E۲, E۳
۶	تبدیل ایده به عمل	اجرای ایده در قالب محصول/کار	فعالیت‌ها	پروژه‌محوری	ایده را عملی کند. E۲, E۱۲
۷	پروژه کوتاه‌مدت	پروژه‌های کوچک و قابل اجرا در مدرسه	فعالیت‌ها	پروژه‌محوری	پروژه‌ها کوتاه باشد. E۲, E۹, E۱۲
۸	خروجی/محصول آموزشی	داشتن محصول ملموس (پوستر/غرفه/گزارش)	فعالیت‌ها	پروژه‌محوری	پروژه باید محصول داشته باشد. E۲, E۱۲
۹	نقش‌پذیری در گروه	تجربه نقش‌ها (مدیر گروه/گزارشگر...)	فعالیت‌ها	همکاری و کار تیمی	نقش‌ها مشخص شود. E۴, E۱۱
۱۰	تقسیم کار شفاف	تعیین وظایف برای کاهش تعارض	فعالیت‌ها	همکاری و کار تیمی	تقسیم کار روشن باشد. E۱۱, E۱۲
۱۱	مسئولیت‌پذیری گروهی	پاسخگویی فردی در کار تیمی	فعالیت‌ها	همکاری و کار تیمی	مسئولیت‌پذیر شوند. E۴, E۱۱
۱۲	یادگیری مشارکتی	مشارکت فعال و تعامل در یادگیری	روش تدریس	راهبردهای فعال	روش مشارکتی باشد. E۴, E۱۱
۱۳	یادگیری تجربی	یادگیری از طریق تجربه و عمل	روش تدریس	راهبردهای فعال	به جای سخنرانی، تجربه کنند. E۴, E۲
۱۴	مسئله‌محوری آموزشی	شروع یادگیری از مسئله‌های ساده	روش تدریس/محتوا	راهبردهای فعال	مسئله‌های روزمره. E۴, E۳
۱۵	فعالیت چندراه‌حلی	پذیرش راه‌حل‌های متنوع	محتوا	خلاقیت و نوآوری	یک جواب درست کافی نیست. E۳, E۷
۱۶	ایده‌پردازی	تولید ایده‌های متعدد	محتوا	خلاقیت و نوآوری	فرصت ایده دادن بدهیم. E۲, E۶
۱۷	پرورش خلاقیت	تقویت خلاقیت با پرسش باز/انتخاب روش	محتوا	خلاقیت و نوآوری	پرسش‌های باز کمک می‌کند. E۳, E۷
۱۸	تصمیم‌گیری موقعیتی	تمرین تصمیم‌گیری در موقعیت واقعی‌نما	محتوا/فعالیت	تصمیم‌گیری کارآفرینانه	در موقعیت واقعی تصمیم بگیرد. E۲, E۳

۱۹	حل مسئله ساده	تحلیل مسئله و انتخاب راه حل در سطح پایه ششم	محتوا	حل مسئله/تفکر انتقادی	بهترین راه را انتخاب کند.	E۱, E۴
۲۰	پیش‌بینی پیامد	سنجش نتیجه تصمیم/راه حل	محتوا	تفکر انتقادی	پیامدها را بسنجد.	E۱, E۲
۲۱	کاهش ترس از شکست	ایجاد فضای امن برای خطا	محتوا/اجرا	خودباوری و جسارت	از شکست نترسند.	E۶, E۱۱
۲۲	تقویت خودباوری تدریجی	رشد اعتماد به نفس با موفقیت‌های کوچک	محتوا/فعالیت	خودباوری و جسارت	موفقیت‌های کوچک بسازد.	E۶, E۴
۲۳	ارتباط مؤثر	گفت‌وگو، ارائه ایده، احترام متقابل	محتوا/فعالیت	ارتباط مؤثر	ایده را بیان کند.	E۴, E۱۱
۲۴	مدیریت منابع محدود	مدیریت زمان/ابزار/هزینه ساده	محتوا/فعالیت	مهارت‌های اجرایی	زمان و ابزار را مدیریت کند.	E۲, E۱۲
۲۵	مدیریت زمان بندی جلسات	برنامه‌ریزی جلسه/تقویم اجرا	اجرا	امکان‌پذیری مدرسه‌ای	زمان‌بندی روشن باشد.	E۹, E۱۰
۲۶	نقش تسهیلگری معلم	هدایتگر فعالیت‌ها نه انتقال‌دهنده صرف	اجرا	نقش حرفه‌ای معلم	معلم تسهیلگر باشد.	E۴, E۱
۲۷	مدیریت کلاس فعال	اداره کلاس پروژه‌ای و مشارکتی	اجرا	نقش حرفه‌ای معلم	«کلاس را هدایت کند».	E۴, E۱۱
۲۸	منابع آموزشی ساده	کاربرگ/پوستر/راهنمای جلسه	اجرا	امکان‌پذیری مدرسه‌ای	«ابزار ساده لازم است».	E۹, E۱۲
۲۹	یادگیری ترکیبی کم‌هزینه	ترکیب حضوری با ابزار ساده دیجیتال	روش تدریس/اجرا	یادگیری ترکیبی	«ابزار دیجیتال ساده استفاده شود».	E۷, E۲
۳۰	جذابیت آموزشی	افزایش درگیری/انگیزش با تنوع فعالیت	روش/اجرا	انگیزش یادگیری	«برای بچه‌ها جذاب باشد».	E۶, E۷
۳۱	ارزشیابی تکوینی	بازخورد مستمر حین یادگیری	ارزشیابی	سازوکار بازخورد	«بازخورد مستمر مهم است».	E۵, E۱
۳۲	بازخورد حمایتی	بازخورد غیرتنبیهی برای رشد مهارت	ارزشیابی	سازوکار بازخورد	«بازخورد کمک‌کننده بدهیم».	E۵, E۶
۳۳	ارزشیابی عملکردمحور	سنجش در عمل و بر اساس عملکرد/محصول	ارزشیابی	سنجش عملکردی	«بر اساس محصول بسنجیم».	E۵, E۲
۳۴	شفافیت معیارها	اعلام معیارها قبل از انجام فعالیت	ارزشیابی	سنجش عملکردی	«معیارها از قبل گفته شود».	E۵, E۱
۳۵	روبریک (مقیاس درجه‌بندی)	معیارهای سطح‌بندی شده برای عملکرد	ارزشیابی	سنجش عملکردی	«جدول معیار داشته باشیم».	E۵
۳۶	پوشه کار	ثبت شواهد رشد مهارت در طول زمان	ارزشیابی	ارزشیابی تکوینی	«پوشه کار داشته باشند».	E۵
۳۷	بومی‌سازی محتوا	مثال‌ها و پروژه‌ها متناسب با فرهنگ محلی	اجرا/محتوا	بومی‌سازی فرهنگی	«مثال بومی باشد».	E۳, E۹
۳۸	حمایت مدیر مدرسه	هماهنگی و پشتیبانی مدیریتی	اجرا	پشتیبانی نهادی	«مدیر همراهی کند».	E۱۰, E۹
۳۹	حمایت خانواده	اطلاع‌رسانی و مشارکت خانواده	اجرا	پشتیبانی نهادی/اجتماعی	«خانواده در جریان باشد».	E۱۰, E۱۱
۴۰	واقع‌گرایی اجرایی	سازگاری با امکانات/محدودیت‌ها	اجرا	امکان‌پذیری مدرسه‌ای	«توقع غیرواقعی نداشته باشد».	E۸, E۹
۴۱	همسویی با بالادستی	همسویی با اسناد بالادستی	اجرا/سیاست	سیاست‌گذاری/همسویی	«با اسناد هماهنگ باشد».	E۸
۴۲	پایداری برنامه	قابلیت استمرار پس از مداخله	اجرا	پایداری اجرا	«بعد از پژوهش هم ادامه یابد».	E۸, E۱۰

نتایج کدگذاری محوری (مقوله‌ها): در مرحله کدگذاری محوری، کدهای اولیه هم‌خانواده در قالب مقوله‌های بزرگ‌تر تجمیع و روابط میان آن‌ها مشخص شد. این مقوله‌ها نشان دادند که طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی باید حول چند «هسته اجرایی» سازمان یابد: هدف‌گذاری مهارت‌محور، محتوا و فعالیت‌های موقعیت‌محور، راهبردهای یاددهی-یادگیری فعال، ارزشیابی تکوینی-عملکردمحور، و الزامات اجرا (نقش معلم، زمان، منابع، حمایت مدرسه/خانواده). همچنین روابط بین مقوله‌ها نشان می‌دهد که «روش‌های فعال و پروژه‌محور» به‌عنوان موتور اجرایی برنامه عمل می‌کند و پیامدهای مهارتی مانند خلاقیت، حل مسئله، تصمیم‌گیری و خودباوری را شکل می‌دهد. در عین حال، اگر الزامات اجرا (به‌ویژه نقش معلم و امکان‌پذیری مدرسه‌ای) تأمین نشود، حتی یک برنامه مطلوب از نظر محتوا نیز ممکن است به اثربخشی مطلوب نرسد. بنابراین مقوله‌های اجرایی در این الگو نقش تعدیل‌گر و پشتیبان دارند.

جدول ۵. نتایج کدگذاری محوری (مقوله‌ها و روابط)

ردیف	کدهای اولیه مرتبط	روابط کلیدی (نوع رابطه)	نقش/کارکرد	مقوله محوری	شاهد های خبرگان (کدها)
۱	سنجش‌پذیری اهداف، تناسب رشدی، شفافیت هدف، مهارت‌محوری اهداف	با «محتوای مهارتی» (هم‌راستایی)؛ با «ارزشیابی عملکردمحور» (هماهنگی/پشتیبانی)	چارچوب‌دهی معیارگذاری	و هدف‌گذاری مهارت‌محور	۱E، ۳E، ۵E، ۸E
۲	ارتباط با نیاز جامعه، واقعی‌نما بودن، کاربردپذیری، معناداری	با «پروژه‌محوری» (تقویت‌کننده)؛ با «نگیزش‌یادگیری» (تأثیرگذار)	زمینه‌ساز و جهت‌دهنده	ارتباط با زندگی واقعی و جامعه	۲E، ۳E، ۸E، ۱۰E، ۹E
۳	پرسش‌های باز، چندراه‌حلی، ایده‌پردازی، نوآوری، اختیار عمل	با «روش‌های فعال» (وابسته)؛ با «خودباوری» (تقویت متقابل)	پیامد مهارتی (خروجی نزدیک)	پرورش خلاقیت و نوآوری	۲E، ۳E، ۶E، ۷E، ۱۱E
۴	مسئله‌محوری، تحلیل موقعیت، انتخاب راه‌حل، پیش‌بینی پیامد	با «فعالیت‌های واقعی‌نما» (تأمین‌کننده)؛ با «ارزشیابی عملکردی» (قابل سنجش)	پیامد مهارتی (خروجی نزدیک)	حل مسئله و تفکر انتقادی	۱E، ۲E، ۴E، ۵E، ۱۱E
۵	تصمیم‌گیری موقعیتی، انتخاب گزینه، سنجش پیامد، مسئولیت تصمیم	با «حل مسئله» (هم‌پوشان/تقویت‌کننده)؛ با «پروژه‌محور» (زمینه‌ساز)	پیامد مهارتی (خروجی نزدیک)	تصمیم‌گیری کارآفرینانه	۲E، ۳E، ۴E، ۱۲E
۶	کارگروهی، تقسیم کار، نقش‌پذیری، مسئولیت‌پذیری گروهی	با «روش‌های مشارکتی» (هم‌افزا)؛ با «ارتباط مؤثر» (پیامد)	پیامد نزدیک/اجتماعی	همکاری و کار تیمی	۴E، ۱۱E، ۱۲E
۷	گفت‌وگو، بیان ایده، احترام متقابل، ارائه و دفاع	با «کار تیمی» (تعامل دوطرفه)؛ با «خودباوری» (پیش‌نیاز/تقویت‌کننده)	پیامد نزدیک/اجتماعی	ارتباط مؤثر	۴E، ۶E، ۱۱E
۸	کاهش ترس از شکست، تجربه موفقیت‌های کوچک، جرئت‌ورزی، خودکارآمدی	با «مشارکت فعال» (پیش‌نیاز)؛ با «خلاقیت» (تقویت متقابل)	پیامد نزدیک/فردی و پیش‌نیاز	و خودباوری و جسارت	۶E، ۱۱E
۹	یادگیری تجربی، مشارکتی، مسئله‌محور، فعالیت‌محور	با «پرورش مهارت‌ها» (آلی/ایجادکننده)؛ با «پروژه‌محوری» (تسهیل‌کننده)	موتور اجرایی (تبدیل محتوا به مهارت)	راهبردهای یاددهی-یادگیری فعال	۴E، ۷E، ۱۱E، ۲E
۱۰	پروژه کوتاه‌مدت، خروجی/محصول، تکلیف واقعی‌نما، نقش‌دهی	با «ارتباط با جامعه» (هم‌راستایی)؛ با «ارزشیابی عملکردی» (قابل سنجش)	راهبرد (عملیاتی‌سازی)	فعالیت‌های پروژه‌ای و عملی	۲E، ۱۱E، ۴E، ۱۲E
۱۱	مدیریت منابع محدود، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی، نظم کاری	با «پروژه‌محوری» (ضروری)؛ با «اهداف مهارتی» (هم‌راستا)	پیامد نزدیک/عملی	مهارت‌های اجرایی و برنامه‌ریزی	۲E، ۱۱E، ۱۲E
۱۲	یادگیری ترکیبی کم‌هزینه، ابزار دیجیتال ساده، انعطاف در روش	با «انگیزش» (تقویت‌کننده)؛ با «امکان‌پذیری» (وابسته/مشروط)	راهبرد پشتیبان	یادگیری ترکیبی و انعطاف‌پذیر	۷E، ۹E، ۴E
۱۳	بازخورد مستمر، اصلاح مسیر، مشاهده عملکرد، گفت‌وگوی بازاندیشانه	با «روش‌های فعال» (همخوان)؛ با «نگیزش» (افزاینده)	سازوکار بازخورد (کنترل فرایند)	ارزشیابی تکوینی	۵E، ۱۱E، ۴E
۱۴	سنجش در عمل، معیارهای روشن، روبریک، محصول/عملکرد	با «پروژه‌محوری» (وابستگی مستقیم)؛ با «اهداف مهارتی» (هماهنگی)	سازوکار سنجش پیامد	ارزشیابی عملکردمحور	۵E، ۱۱E، ۲E

۱۵	پوشه کار، مستندسازی پیشرفت، ثبت شواهد	با «بازخورد تکوینی» (تکمیل کننده)؛ با «عدالت ارزشیابی» (افزاینده)	تقویت کننده تکوینی	ارزشیابی مستندسازی یادگیری	۱E، ۵E
۱۶	نقش تسهیلگر معلم، هدایت فعالیت، مدیریت کلاس فعال	با «روش های فعال» (لازم و ملزوم)؛ با «کیفیت اجرا» (علی)	شرط علی/اجرایی	نقش حرفه ای معلم	۱۱E، ۴E، ۱۰E، ۱E
۱۷	زمان بندی، امکانات مدرسه، منابع محدود، بار برنامه	با «پروژه محوری» (مشروط کننده)؛ با «یادگیری ترکیبی» (تسهیل/وابسته)	شرط (تسهیل/محدود کننده)	امکان پذیری مدرسه ای	۱۰E، ۹E، ۸E، ۱۱E
۱۸	منابع آموزشی ساده، کاربرگ، پوستر، راهنمای معلم	با «امکان پذیری» (افزاینده)؛ با «نقش معلم» (پشتیبان)	تسهیل کننده اجرا	پشتیبانی منابع آموزشی	۴E، ۱۲E، ۹E
۱۹	حمایت مدیر مدرسه، هماهنگی سازمانی، حمایت خانواده	با «پایداری برنامه» (تقویت کننده)؛ با «مشارکت دانش آموز» (افزاینده)	شرط زمینه ای پشتیبان	پشتیبانی نهادی و اجتماعی	۹E، ۸E، ۱۱E، ۱۰E
۲۰	بومی سازی محتوا، مثال های محلی، تناسب فرهنگی	با «پذیرش برنامه» (افزاینده)؛ با «فعالیت ها» (تعدیل کننده)	اصلاح کننده/افزایش دهنده پذیرش	بومی سازی و تناسب فرهنگی	۹E، ۳E، ۸E، ۱۱E
۲۱	همسویی با اسناد بالادستی، انطباق با برنامه ملی/سند تحول	با «پذیرش نهادی» (افزاینده)؛ با «قابلیت اجرا» (پشتیبان)	چارچوب مشروعیت بخش	همسویی سیاستی	۱E، ۸E
۲۲	استمرار پس از مداخله، قابلیت تعمیم، نهادهای سازی	با «پشتیبانی نهادی» (وابسته)؛ با «توانمندی معلم» (شرط لازم)	پیامد سطح کلان	پایداری برنامه	۱۰E، ۸E، ۴E، ۹E

نتایج کدگذاری گزینشی (ابعاد نهایی): در مرحله کدگذاری گزینشی، یک «مقوله هسته» انتخاب شد و سایر مقوله ها در نسبت منطقی با آن سازمان یافتند. مقوله هسته پژوهش حاضر «طراحی و اجرای برنامه درسی ترکیبی مهارت محور کارآفرینی با تکیه بر یادگیری فعال و پروژه محور» است. بر اساس این مقوله، ابعاد نهایی برنامه درسی ترکیبی شامل اهداف، محتوا، روش های تدریس، فعالیت های یادگیری، ارزشیابی، و الزامات اجرا/پشتیبانی (به همراه بومی سازی) است. نتایج گزینشی نشان داد که «روش های فعال، پروژه محور و ارزشیابی عملکردی» ستون های اصلی برنامه هستند و سایر مؤلفه ها نقش پشتیبان و شرط تحقق دارند. به بیان دیگر، هرگاه اهداف مهارتی با محتوای موقعیت محور و ارزشیابی شفاف هم راستا شوند و اجرای برنامه با نقش تسهیلگری معلم، منابع مناسب و حمایت مدرسه/خانواده همراه گردد، برنامه قابلیت تحقق و اثربخشی بالاتری خواهد داشت.

جدول ۶. خلاصه کدگذاری گزینشی (مقوله هسته و ابعاد نهایی)

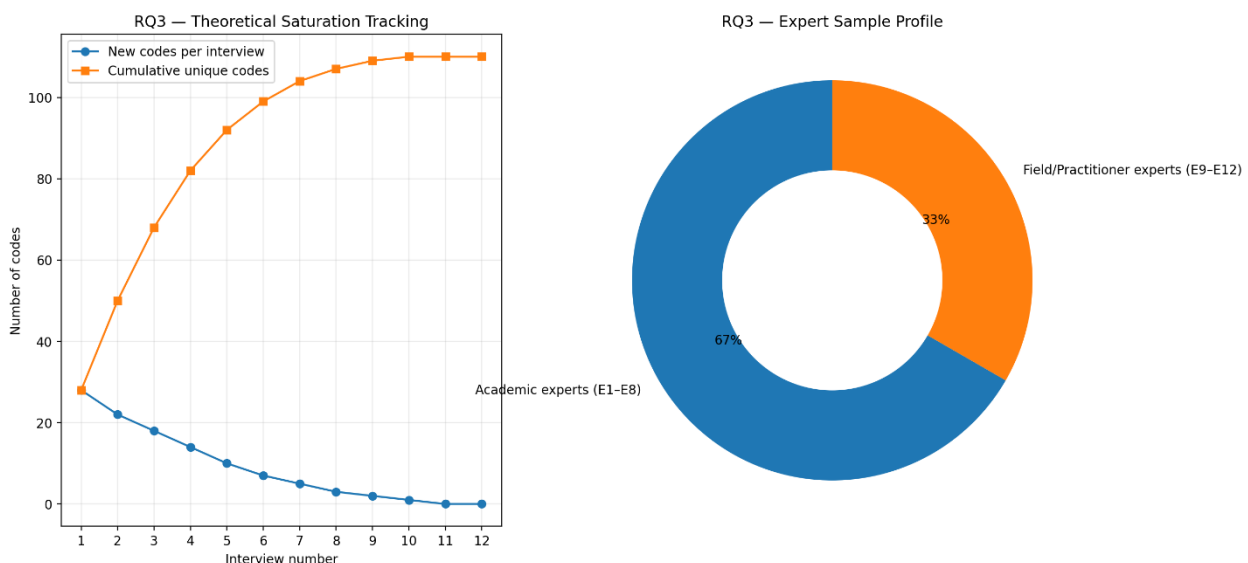
ابعاد نهایی	نقش در الگو
اهداف مهارت محور	جهت دهی و معیارگذاری
محتوای مهارتی و موقعیت محور	تغذیه مهارتی و واقعی نما
راهنماهای تدریس فعال/تجربی/مشارکتی	موتور اجرایی یادگیری
فعالیت های پروژه ای و عملی	عملیاتی سازی مهارت ها
ارزشیابی تکوینی و عملکردمحور	کنترل و سنجش تحقق مهارت
الزامات اجرا (معلم/زمان/منابع/حمایت/بومی سازی)	شرط امکان پذیری و پایداری

الگوی نهایی برنامه درسی ترکیبی مهارت های کارآفرینی: بر اساس جمع بندی مراحل سه گانه کدگذاری، الگوی نهایی برنامه درسی ترکیبی، یک ساختار «هدف-محتوا-روش-فعالیت-ارزشیابی-الزامات اجرا» را پیشنهاد می کند که به صورت یکپارچه طراحی می شود. در این الگو، اهداف مهارت محور و سنجش پذیر مبنای انتخاب محتوا قرار می گیرد؛ محتوا به صورت موقعیت محور و واقعی نما سازمان دهی می شود؛ روش های تدریس فعال و مشارکتی بستر یادگیری را فراهم می سازد؛ فعالیت ها عمدتاً پروژه های کوتاه، قابل اجرا و مبتنی بر نقش پذیری هستند؛ ارزشیابی تکوینی و عملکردمحور، به صورت مستمر رشد مهارت ها را پایش می کند؛ و در نهایت، الزامات اجرایی مانند نقش تسهیلگری معلم، زمان بندی، منابع آموزشی ساده، حمایت مدرسه و خانواده و بومی سازی، امکان تحقق الگو را تضمین می کند. این الگوی نهایی، علاوه بر تأکید

بر «مهارت‌آموزی»، به محدودیت‌های واقعی مدرسه نیز توجه دارد؛ بنابراین برنامه به‌گونه‌ای پیشنهاد می‌شود که با امکانات معمول مدارس قابل اجرا باشد و از طریق ترکیب فعالیت‌های حضوری با ابزارهای ساده، انعطاف لازم را برای محیط آموزشی فراهم کند. در نتیجه، الگوی حاضر می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای تدوین بسته آموزشی (شامل محتوا، فعالیت‌ها، کاربرگ‌ها، و شیوه‌نامه اجرا) و نیز مبنای طراحی پرسشنامه‌های اعتبارسنجی و اثربخشی به‌کار گرفته شود.

جدول ۷. الگوی نهایی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی پایه ششم (ساختار اجرایی)

بعد	مؤلفه‌های کلیدی	خروجی قابل مشاهده در کلاس	ابزار/مدرک مستند
اهداف	سنجش‌پذیری، تناسب رشدی، ارتباط با زندگی	اهداف رفتاری و مهارتی روشن	فهرست اهداف هر جلسه
محتوا	حل مسئله، خلاقیت، تصمیم‌گیری، خودباوری، کار تیمی	مفاهیم کوتاه + موقعیت واقعی‌نما	متن درس/سناریو/داستانک
روش تدریس	تجربی، مشارکتی، مسئله‌محور، ترکیبی	مشارکت فعال و تمرین عملی	راهنمای تدریس
فعالیت‌ها	پروژه کوتاه، نقش‌پذیری، محصول ساده	تولید محصول ارائه/نمایش	کاربرگ، گزارش گروه
ارزشیابی	تکوینی + عملکردمحور + معیار روشن	بازخورد مستمر و سنجش در عمل	چک‌لیست عملکرد، روبریک
الزامات اجرا	نقش معلم، زمان‌بندی، منابع، حمایت، بومی‌سازی	قابلیت اجرا در مدرسه	شیوه‌نامه اجرا و منابع



شکل ۱: خلاصه‌ای دوبخشی از فرایند مصاحبه‌های خبرگان

شکل فوق خلاصه‌ای دوبخشی از فرایند مصاحبه‌های خبرگان برای طراحی برنامه‌درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی ارائه می‌دهد. در بخش (الف- سمت چپ) روند پایش اشباع نظری از طریق نمایش «تعداد کدهای جدید در هر مصاحبه» و «تعداد تجمعی کدهای یکتا» نشان داده شده و در بخش (ب- سمت راست) ترکیب نمونه خبرگان (دانشگاهی در برابر میدانی/اجرایی) گزارش شده است. شکل شماره شواهد روش‌شناختی لازم برای اطمینان از کفایت داده‌های کیفی و اعتبار فرایند داده‌بنیاد را ارائه می‌کند. بخش (الف) نشان می‌دهد با پیشرفت مصاحبه‌ها، «تعداد کدهای جدید» به‌صورت تدریجی کاهش یافته و در مصاحبه‌های پایانی به نزدیک صفر می‌رسد؛ در حالی که «تعداد تجمعی کدهای یکتا» پس از رشد سریع در مصاحبه‌های اولیه، به نقطه ثبات/پلاتو نزدیک می‌شود. این الگو دلالت بر تحقق اشباع نظری دارد؛ یعنی مصاحبه‌های جدید عمدتاً موجب تأیید و تعمیق مقوله‌های موجود شده و افزوده مفهومی معناداری ایجاد نکرده‌اند. بخش (ب) نیز نشان می‌دهد نمونه خبرگان به‌صورت هدفمند از دو گروه «دانشگاهی» و «میدانی/اجرایی» تشکیل شده است (تقریباً ۶۷٪ در برابر ۳۳٪) تا هم پشتیبان نظری طراحی برنامه‌درسی تقویت شود و هم واقع‌گرایی اجرایی و امکان پیاده‌سازی در مدرسه لحاظ گردد. در مجموع، این شکل پشتیبان اعتبار یافته‌های کیفی و مبنایی برای استخراج الگوی نهایی برنامه‌درسی ترکیبی و تدوین ابزارهای کمی پژوهش است.

در مجموع، تحلیل کیفی داده‌ها نشان داد که برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی برای دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی دارای شش بعد اصلی است: اهداف کارآفرینانه و مهارت‌محور، محتوای مهارتی و موقعیت‌محور، راهبردهای یاددهی-یادگیری فعال و تجربه‌محور، فعالیت‌های یادگیری و پروژه‌های عملی، ارزشیابی تکوینی و عملکردمحور، و الزامات اجرا و پشتیبانی مدرسه‌ای. این ابعاد از طریق فرایند مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و گزینشی استخراج شدند. در کدگذاری باز، داده‌های خام به واحدهای معنایی، کدهای اولیه، مؤلفه‌ها و ابعاد تبدیل شدند. در کدگذاری محوری، روابط میان مؤلفه‌ها و مقوله‌ها مشخص شد و در کدگذاری گزینشی، مقوله‌های نهایی حول مقوله هسته پژوهش یکپارچه گردیدند. همچنین، برای کاهش تکرار و هم‌پوشانی مفاهیم، کدها و مؤلفه‌ها بر اساس تعاریف عملیاتی، نقش برنامه‌درسی و سطح تحلیل بازبینی شدند. بر این اساس، مفاهیم مشابه در صورت هم‌معنا بودن ادغام و در صورت ایفای نقش متفاوت در ساختار برنامه درسی، از یکدیگر تفکیک شدند. این فرایند موجب شد الگوی نهایی از انسجام مفهومی و شفافیت تحلیلی بیشتری برخوردار باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی برای دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی انجام شد. نتایج حاصل از کدگذاری داده‌های کیفی نشان داد که مقوله هسته پژوهش، «طراحی و اجرای برنامه درسی ترکیبی مهارت‌محور کارآفرینی با تکیه بر یادگیری فعال و پروژه‌محور» است. بر اساس این مقوله هسته، الگوی نهایی پژوهش در قالب شش بعد اصلی شامل اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی و الزامات اجرا/پشتیبانی و بومی‌سازی سازمان یافت. این یافته نشان می‌دهد که برنامه درسی کارآفرینی در دوره ابتدایی زمانی می‌تواند کارآمد باشد که به‌صورت مجموعه‌ای پراکنده از مفاهیم اقتصادی یا شغلی طراحی نشود، بلکه در قالب ساختاری نظام‌مند، تلفیقی و مهارت‌محور شکل گیرد. در این ساختار، اهداف سنجش‌پذیر و مهارتی مبنای انتخاب محتوا قرار می‌گیرند؛ محتوا باید موقعیت‌محور، واقع‌نما و متناسب با سطح رشدی دانش‌آموزان باشد؛ روش‌های تدریس باید فعال، مشارکتی و مسئله‌محور باشند؛ فعالیت‌ها باید در قالب پروژه‌های کوتاه، قابل اجرا و مبتنی بر نقش‌پذیری طراحی شوند؛ ارزشیابی باید تکوینی، عملکردمحور و مستمر باشد؛ و در نهایت، اجرای موفق برنامه نیازمند تسهیلگری معلم، زمان‌بندی مناسب، منابع آموزشی ساده، حمایت مدرسه و خانواده، و بومی‌سازی محتوای آموزشی است. یافته نخست پژوهش، یعنی تأکید بر اهداف مهارت‌محور و سنجش‌پذیر، نشان داد که آموزش کارآفرینی در پایه ششم نباید به انتقال اطلاعات درباره کسب‌وکار یا معرفی مشاغل محدود شود. خبرگان بر این باور بودند که هدف‌های برنامه باید مستقیماً به رشد مهارت‌هایی مانند تشخیص فرصت، حل مسئله، خلاقیت، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، مدیریت منابع و تبدیل ایده به عمل منجر شود. این یافته با دیدگاه پژوهش‌هایی همسو است که کارآفرینی را مجموعه‌ای از شایستگی‌های شناختی، رفتاری، اجتماعی و نگرشی می‌دانند و بر ضرورت تعریف عملیاتی این شایستگی‌ها در برنامه درسی تأکید دارند (Bauman & Lucy, 2021; Tittel & Terzidis, 2020). همچنین یافته حاضر با مطالعاتی هماهنگ است که نشان داده‌اند آموزش کارآفرینی زمانی به رشد نیت و رفتار کارآفرینانه منجر می‌شود که ذهنیت کارآفرینانه دانش‌آموزان را فعال کند و آنان را از دریافت‌کنندگان منفعل دانش به کنشگران حل مسئله و خلق ارزش تبدیل نماید (Mukhtar et al., 2021). از این منظر، هدف‌گذاری مهارت‌محور در برنامه پیشنهادی پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای برای خروج آموزش کارآفرینی از سطح شعارهای کلی و ورود آن به سطح عملکرد قابل مشاهده در کلاس درس باشد.

یافته دوم پژوهش بر ضرورت محتوای موقعیت‌محور، واقع‌نما و بومی‌شده تأکید داشت. بر اساس داده‌های پژوهش، محتوای برنامه درسی باید با زندگی روزمره دانش‌آموزان، امکانات مدرسه، تجربه‌های خانوادگی و محیط اجتماعی آنان ارتباط داشته باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی زمانی معنادار می‌شود که دانش‌آموز بتواند میان آنچه می‌آموزد و آنچه در زندگی واقعی تجربه می‌کند، پیوند برقرار سازد. این یافته با پژوهش‌هایی همسو است که بر لزوم سازگاری محتوای کارآفرینی با زمینه اجتماعی، فرهنگی و نهادی فراگیران تأکید کرده‌اند (Olutuase et al., 2023; Winarno et al., 2025). همچنین نتایج پژوهش با مطالعاتی مطابقت دارد که نشان داده‌اند محتوای برنامه‌های نوآوری و کارآفرینی باید علاوه بر مفاهیم پایه، شامل فرصت‌هایی برای ایده‌پردازی، شناخت نیازها، تصمیم‌گیری، تجربه عملی و

بازتاب انتقادی باشد (Afeli & Adunlin, 2022). در بافت ایران نیز یافته حاضر با نتایج پژوهش‌هایی هم‌راستا است که ضعف پیوستگی و انسجام مؤلفه‌های راهنمایی شغلی و کارآفرینی را در کتاب‌های درسی پایه ششم و دوره‌های بعدی گزارش کرده‌اند (Dehaghan, 2021). بنابراین، برنامه درسی پیشنهادی پژوهش حاضر می‌تواند به رفع شکاف میان اهداف کلان تربیتی و محتوای واقعی قابل اجرا در مدرسه کمک کند.

یافته سوم پژوهش، اهمیت روش‌های تدریس فعال، مشارکتی و پروژه‌محور بود. نتایج نشان داد که روش‌های سنتی، سخنرانی‌محور و حافظه‌محور نمی‌توانند بستر مناسبی برای شکل‌گیری مهارت‌های کارآفرینانه فراهم کنند. آموزش کارآفرینی به تجربه، تمرین، گفت‌وگو، تصمیم‌گیری، آزمون ایده، شکست‌های کوچک و بازخورد مستمر نیاز دارد. این یافته با مطالعاتی هم‌سو است که نقش آموزش کارآفرینی را در تقویت خلاقیت کارآفرینانه، الهام‌بخشی و فعال‌سازی یادگیری برجسته کرده‌اند (Wang et al., 2022). همچنین پژوهش حاضر با دیدگاه‌هایی مطابقت دارد که کارآفرینی را فرایندی اجتماعی و تعاملی می‌دانند و بر نقش همکاری، ارتباط، حل مسئله و مشارکت گروهی در رشد مهارت‌های کارآفرینانه تأکید می‌کنند (Adeosun & Aruleba, 2025). در برنامه پیشنهادی این پژوهش، پروژه‌های کوتاه و قابل اجرا، نقش‌پذیری گروهی، مسئولیت‌پذیری و تولید محصول ساده آموزشی از عناصر اصلی فعالیت‌های یادگیری بودند. این جهت‌گیری با الگوهای جدید آموزش کارآفرینی اجتماعی نیز همخوان است؛ زیرا دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های کوچک می‌آموزند که کارآفرینی صرفاً کسب سود نیست، بلکه می‌تواند به خلق ارزش اجتماعی، حل مسائل محیط مدرسه و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی منجر شود (Tatpuje et al., 2025).

یافته چهارم پژوهش بر جایگاه یادگیری ترکیبی و استفاده هدفمند از فناوری تأکید داشت. نتایج نشان داد که رویکرد ترکیبی باید به گونه‌ای طراحی شود که آموزش حضوری، تجربه عملی، فعالیت گروهی و ابزارهای ساده دیجیتال را در کنار هم قرار دهد. در این الگو، فناوری نقش مکمل دارد و هدف آن افزایش جذابیت، شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی، ارائه بازخورد، تقویت خودتنظیمی و گسترش تجربه یادگیری است. این یافته با مرورهای نظام‌مند حوزه آموزش کارآفرینی آنلاین و ترکیبی هماهنگ است که نشان داده‌اند فناوری‌های آموزشی می‌توانند یادگیری کارآفرینی را از طریق شبیه‌سازی، تعامل، شخصی‌سازی و تحلیل رفتار یادگیری تقویت کنند (Chen et al., 2021). همچنین، پژوهش حاضر با مطالعاتی هم‌سو است که بر اهمیت طراحی محیط‌های تعاملی و فناوری‌ها برای تمرین مهارت‌های آموزشی و مدیریتی تأکید دارند (Delamarre et al., 2021). با وجود این، یافته‌های پژوهش نشان دادند که فناوری در دوره ابتدایی باید ساده، در دسترس، ایمن و کم‌هزینه باشد؛ زیرا تمرکز بیش از حد بر ابزارهای پیچیده ممکن است با امکانات واقعی مدارس، توان معلمان و سطح رشدی دانش‌آموزان ناسازگار شود. این نتیجه با پژوهش‌های جدید درباره کارآفرینی دیجیتال همخوان است که بر ضرورت کاهش شکاف‌های دیجیتال، حمایت نهادی و طراحی راهبردهای یادگیری نوآورانه اما قابل اجرا تأکید دارند (Chotisarn & Phuthong, 2026).

یافته پنجم پژوهش نشان داد که ارزشیابی در برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی باید تکوینی، عملکردمحور، شفاف و مبتنی بر رشد تدریجی دانش‌آموز باشد. از دیدگاه خبرگان، ارزشیابی پایانی و نمره‌محور برای سنجش مهارت‌هایی مانند خلاقیت، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری و مدیریت منابع کافی نیست. بنابراین، استفاده از پوشه کار، بازخورد مستمر، مشاهده عملکرد، معیارهای روشن، سنجش محصول آموزشی و ارزیابی فرایند یادگیری از اجزای ضروری برنامه محسوب می‌شود. این یافته با پژوهش‌هایی هم‌سو است که بر توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه و ضرورت سنجش عملکردی آن‌ها تأکید کرده‌اند (Bauman & Lucy, 2021; Tittel & Terzidis, 2020). افزون بر این، نتایج پژوهش را می‌توان در ارتباط با مفهوم خودکارآمدی کارآفرینانه تفسیر کرد؛ زیرا بازخوردهای تکوینی و تجربه موفقیت‌های کوچک می‌توانند اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را افزایش دهند و آنان را برای ارائه ایده، پذیرش مسئولیت و ادامه تلاش آماده‌تر سازند (Tarrats, 2025). در نتیجه، ارزشیابی در این برنامه نه ابزار حذف یا رتبه‌بندی، بلکه سازوکاری برای هدایت یادگیری، اصلاح مسیر و تقویت انگیزش دانش‌آموز است.

یافته ششم پژوهش، اهمیت الزامات اجرایی و پشتیبانی را آشکار ساخت. نتایج نشان داد که موفقیت برنامه درسی پیشنهادی تنها به کیفیت اهداف و محتوا وابسته نیست، بلکه به شرایطی مانند آمادگی معلم، حمایت مدیر مدرسه، مشارکت خانواده، زمان‌بندی مناسب، منابع آموزشی ساده و بومی‌سازی فعالیت‌ها بستگی دارد. این یافته با پژوهش‌هایی همسو است که نقش رهبری آموزشی را در ترویج آموزش کارآفرینی و ایجاد فرهنگ حمایتی در نهادهای آموزشی برجسته کرده‌اند (Yasmeen, 2025). همچنین، مطالعات مربوط به مدارس حرفه‌ای و مهارتی نشان داده‌اند که پیوند میان آموزش، تجربه عملی، ساختار مدرسه و نیازهای واقعی محیط، عامل مهمی در موفقیت برنامه‌های کارآفرینی است (Widodo et al., 2025). از سوی دیگر، گسترش آموزش کارآفرینی در حوزه‌های تخصصی مانند سلامت و پرستاری نشان می‌دهد که مهارت‌های کارآفرینانه ماهیتی فرارشته‌ای دارند و به پشتیبانی نهادی، توانمندسازی حرفه‌ای و تغییر نگرش آموزشی نیازمندند (Rixon et al., 2026). بنابراین، برنامه درسی طراحی‌شده در پژوهش حاضر زمانی می‌تواند به مرحله اجرا برسد که معلم به‌عنوان تسهیلگر توانمند شود و مدرسه به‌عنوان محیط پشتیبان یادگیری کارآفرینانه عمل کند.

در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پرتو تحولات نوین آموزش کارآفرینی در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی نیز تفسیر کرد. اگرچه برنامه پیشنهادی برای پایه ششم ابتدایی طراحی شده و باید با احتیاط و تناسب رشدی از فناوری استفاده کند، اما جهت‌گیری آن به سمت یادگیری ترکیبی، فعالیت‌های پروژه‌ای، تجربه عملی، بازخورد و شخصی‌سازی یادگیری با روندهای جهانی آموزش کارآفرینی هماهنگ است. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین می‌توانند آموزش کارآفرینی را از طریق تسهیل ایده‌پردازی، تحلیل فرصت‌ها، یادگیری شخصی‌سازی‌شده و بازخورد هوشمند متحول کنند (Elsa et al., 2026; Thottoli et al., 2025). با این حال، نتایج پژوهش حاضر یادآور می‌شود که در آموزش ابتدایی، فناوری باید در خدمت تجربه تربیتی، تعامل انسانی، خلاقیت و یادگیری عملی قرار گیرد، نه اینکه جایگزین آن‌ها شود. از این‌رو، الگوی طراحی‌شده می‌تواند پلی میان نیازهای سنتی مدرسه، الزامات تربیت کارآفرینانه و فرصت‌های یادگیری ترکیبی باشد.

این پژوهش با وجود تلاش برای گردآوری داده‌های عمیق از خبرگان، با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست آنکه داده‌های پژوهش بر مبنای دیدگاه متخصصان برنامه‌ریزی درسی، آموزش کارآفرینی و عوامل اجرایی مرتبط گردآوری شد و تجربه مستقیم دانش‌آموزان، والدین و معلمان اجراکننده برنامه به‌صورت گسترده در همه مراحل وارد نشد. دوم آنکه الگوی طراحی‌شده با توجه به ویژگی‌های پایه ششم و شرایط آموزشی مشخص تدوین شد و تعمیم آن به سایر پایه‌ها، مناطق جغرافیایی یا انواع مدارس نیازمند احتیاط است. سوم آنکه ماهیت کیفی بخش اصلی پژوهش، هرچند برای استخراج ابعاد و مؤلفه‌ها مناسب بود، اما برای سنجش دقیق میزان اثربخشی برنامه بر پیامدهایی مانند خلاقیت، خودکارآمدی، نیت کارآفرینانه، سواد مالی و مهارت حل مسئله، به مطالعات مداخله‌ای و طولی نیاز دارد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی الگوی طراحی‌شده را در قالب طرح‌های نیمه‌آزمایشی یا آزمایشی با گروه کنترل اجرا کنند و اثر آن را بر متغیرهایی مانند خلاقیت کارآفرینانه، خودکارآمدی، تفکر فرصت‌محور، مهارت حل مسئله، سواد مالی مقدماتی، کار گروهی و نگرش نسبت به کارآفرینی بسنجند. همچنین، انجام پژوهش‌های طولی می‌تواند نشان دهد که آیا آموزش مهارت‌های کارآفرینی در پایه ششم بر انتخاب‌های تحصیلی، انگیزش یادگیری و آمادگی شغلی دانش‌آموزان در سال‌های بعد اثر پایدار دارد یا خیر. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود نسخه‌های متفاوتی از برنامه برای مدارس شهری، روستایی، دولتی و غیردولتی طراحی و مقایسه شود تا میزان انعطاف‌پذیری و قابلیت بومی‌سازی الگو در زمینه‌های گوناگون بررسی گردد.

برای اجرای موفق برنامه درسی ترکیبی مهارت‌های کارآفرینی در پایه ششم، لازم است بسته آموزشی کامل شامل راهنمای معلم، کاربرگ دانش‌آموز، نمونه فعالیت‌های پروژه‌محور، معیارهای ارزشیابی عملکردی و پیشنهادهایی برای استفاده ساده و ایمن از ابزارهای دیجیتال تدوین شود. همچنین، پیش از اجرای برنامه، معلمان باید در زمینه مفاهیم کارآفرینی کودک‌محور، یادگیری پروژه‌محور، تسهیلگری، ارزشیابی تکوینی و مدیریت فعالیت‌های گروهی آموزش ببینند. مدارس نیز باید زمان مشخصی برای فعالیت‌های کارآفرینانه در برنامه هفتگی در نظر بگیرند،

خانواده‌ها را با اهداف برنامه آشنا کنند و از پروژه‌های کوچک، کم‌هزینه و متناسب با فرهنگ محلی برای تقویت انگیزه، مشارکت و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان استفاده نمایند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Entrepreneurship education has increasingly become a central component of educational reform because contemporary societies require learners who can identify opportunities, solve problems creatively, manage uncertainty, collaborate effectively, and transform ideas into value-producing actions. In this broader educational sense, entrepreneurship is not limited to business formation; rather, it refers to a cluster of cognitive, social, emotional, behavioral, and practical competencies that prepare learners for active participation in personal, social, and economic life. The importance of entrepreneurship education is especially evident in elementary education, where children's attitudes toward initiative, responsibility, creativity, cooperation, and self-efficacy begin to take shape. Research has emphasized that effective entrepreneurship education must move beyond theoretical instruction and should focus on developing measurable entrepreneurial competencies such as opportunity recognition, creativity, innovation, communication, teamwork, calculated risk-taking, persistence, decision-making, and resource management (Bauman & Lucy, 2021; Tittel & Terzidis, 2020). In addition, entrepreneurship education can promote entrepreneurial mindset and intention when it helps learners perceive themselves as capable of acting on ideas and creating value in real contexts (Mukhtar et al., 2021). Creativity is also a key outcome of entrepreneurship education, particularly when learning experiences inspire learners, stimulate curiosity, and provide opportunities for experimentation and idea generation (Wang et al., 2022). Recent studies have further highlighted the role of emotional intelligence, social intelligence, passion, grit, and self-efficacy in strengthening entrepreneurial growth and readiness for action (Adeosun & Aruleba, 2025; Tarrats-Pons, 2025). From a curriculum perspective, entrepreneurship education requires coherent objectives, age-appropriate content, active teaching strategies, practical learning activities, and performance-based assessment. Studies on entrepreneurship curriculum development have shown that content must be aligned with learners' developmental characteristics, disciplinary needs, and contextual realities (Afeli & Adunlin, 2022). Similarly, models designed to stimulate entrepreneurial skills emphasize the importance of contextualized, socially responsive, and activity-oriented learning environments (Olutuase et al., 2023). In the Iranian educational context, previous evidence has shown that career guidance and entrepreneurship components in sixth-grade and lower-secondary textbooks are not sufficiently coherent, continuous, or operationalized for systematic skill development (Dehaghan, 2021). Therefore, designing a blended entrepreneurship curriculum for sixth-grade students can address an important curricular gap. Blended learning is particularly relevant because it combines face-to-face interaction, practical classroom activities, and simple digital tools to create flexible and engaging learning opportunities. Systematic evidence on online and blended entrepreneurship education indicates that educational technologies can support simulation, interaction, feedback, personalization, and analysis of learning behavior (Chen et al., 2021). Interactive and virtual training environments can also improve practice-based learning and support the development of educational competencies when they are purposefully designed (Delamarre et al., 2021). More recent literature on digital entrepreneurship education has emphasized the need to reduce digital learning gaps, strengthen institutional support, and design innovative strategies that are pedagogically meaningful rather

than merely technology-driven (Chotisarn & Phuthong, 2026). The growth of artificial intelligence has also expanded discussions about the future of entrepreneurship education by emphasizing personalized learning, idea development, opportunity analysis, and intelligent feedback mechanisms (Elsa et al., 2026; Thottoli et al., 2025). However, in elementary education, digital tools must be simple, safe, low-cost, and developmentally appropriate. The role of teachers and school leadership is also fundamental. Entrepreneurship education requires teachers who can act as facilitators, guide group work, provide formative feedback, encourage experimentation, and support students in transforming ideas into small practical projects. Educational leadership can create supportive school cultures and provide the conditions needed for implementation (Yasmeen, 2025). International evidence from vocational and professional education also shows that entrepreneurship education is more effective when it connects curriculum, practical experience, institutional support, and real-life contexts (Rixon et al., 2026; Widodo et al., 2025). Furthermore, social entrepreneurship education highlights the need to teach responsibility, empathy, cooperation, and social value creation, particularly through small projects that connect learners with school and community needs (Tatpuje et al., 2025). Entrepreneurial growth is also influenced by social institutions and real business experiences, which indicates that entrepreneurship education should not be separated from the learner's social environment (Winarno et al., 2025). Accordingly, the present study aimed to design a blended curriculum for entrepreneurship skills for sixth-grade elementary students.

This study was conducted using an exploratory mixed-methods approach with primary emphasis on the qualitative phase. The qualitative component was selected because the development of a blended entrepreneurship curriculum required the extraction of deep, context-sensitive dimensions and components from the experiences and viewpoints of experts. The participants consisted of university faculty members, curriculum specialists, entrepreneurship education experts, elementary education specialists, educational technology experts, assessment specialists, school administrators, and experienced teachers familiar with skill-based and entrepreneurship-related educational activities. Participants were selected through purposive sampling, and snowball sampling was used to identify additional information-rich experts. Data collection continued until theoretical saturation was reached; that is, the final interviews no longer generated new core concepts, categories, or conceptual relationships. The main data collection instrument was a semi-structured interview protocol designed to explore the objectives, content, teaching methods, learning activities, assessment strategies, and implementation requirements of a blended entrepreneurship curriculum for sixth-grade students. Interviews were conducted after obtaining informed consent, recorded, transcribed, and analyzed systematically. Data analysis followed grounded theory procedures. In the open coding stage, key statements were extracted from the interview transcripts and transformed into initial codes. In the axial coding stage, related codes were grouped into categories and subcategories. In the selective coding stage, the central category was identified and the relationships among the major curriculum elements were integrated into a final conceptual model. To ensure rigor, the coding process was reviewed repeatedly, the emergence of new codes was monitored across interviews, and the stability of categories was checked in the final confirmatory interviews.

The analysis of expert interviews led to the extraction of a coherent model for a blended entrepreneurship skills curriculum for sixth-grade elementary students. The core category identified in the study was “designing and implementing a skill-oriented blended entrepreneurship curriculum based on active and project-based learning.” This core category reflected the central logic of the model: entrepreneurship education at the elementary level should be designed as a practical, participatory, age-appropriate, and context-based learning experience rather than as a purely theoretical subject. The final model consisted of six major dimensions. The first dimension was skill-oriented objectives. Experts emphasized that objectives should be measurable, developmentally appropriate, and focused on skills such as creativity, opportunity recognition, problem-

solving, teamwork, responsibility, decision-making, self-confidence, and management of limited resources. The second dimension was situated and realistic content. The content should be linked to students' everyday experiences, school life, family context, local examples, simple financial concepts, and real-life problems that children can understand. The third dimension was active teaching methods. The findings showed that traditional lecture-based instruction is insufficient for entrepreneurship education and should be replaced with facilitative, participatory, inquiry-based, experiential, and problem-based teaching. The fourth dimension was project-based and practical learning activities. Experts highlighted the need for short, simple, feasible, and product-oriented projects, such as designing a small class activity, preparing a poster, role-playing a market situation, managing a classroom resource, or developing a simple idea for solving a school-related problem. The fifth dimension was formative and performance-based assessment. Assessment should not rely only on final scores; rather, it should include observation, portfolios, student products, process evaluation, self-reflection, peer feedback, and clear performance criteria. The sixth dimension was implementation and support requirements. Successful implementation requires teacher facilitation, principal support, parental awareness, realistic scheduling, simple instructional resources, low-cost digital tools, and localization of activities. Overall, the findings indicated that the proposed curriculum is structured around the integration of objectives, content, methods, activities, assessment, and implementation conditions.

The findings of this study indicate that a blended entrepreneurship curriculum for sixth-grade students must be designed as an integrated and operational curriculum rather than as a set of scattered activities or general recommendations. The extracted model shows that entrepreneurship skills can be developed effectively when objectives are skill-based, content is meaningful and contextualized, teaching methods are active, activities are practical and project-oriented, assessment is formative and performance-based, and implementation conditions are realistically considered. One of the most important implications of the findings is that entrepreneurship education in elementary school should be understood as life-skill education. At this level, the goal is not to train business owners but to cultivate learners who can think creatively, recognize simple opportunities, collaborate with peers, manage small tasks, make responsible decisions, and transform ideas into concrete actions. The emphasis on blended learning also suggests that digital tools can enrich the learning process when they are used purposefully and moderately. In the proposed model, technology is not the center of the curriculum; rather, it serves as a supportive tool for simulation, feedback, reflection, and engagement. This is particularly important for elementary education, where excessive dependence on complex technologies may reduce feasibility and weaken the social and experiential nature of learning. The study also highlights the decisive role of teachers. The teacher in this curriculum is not merely a transmitter of information but a facilitator of active learning, group interaction, reflection, and gradual skill development. Therefore, teacher preparation is essential for successful implementation. Another key implication is the importance of school and family support. Without coordination, time allocation, managerial support, and parental understanding, even a well-designed curriculum may remain at the level of theory. The proposed model responds to a documented gap in the sixth-grade curriculum by offering a localized, feasible, and developmentally appropriate framework for entrepreneurship education. It provides a practical basis for curriculum planners, elementary teachers, educational policymakers, and school administrators who seek to integrate entrepreneurship skills into elementary education. In conclusion, the blended curriculum designed in this study can serve as a structured and operational framework for fostering entrepreneurship skills among sixth-grade elementary students by connecting face-to-face learning, practical experience, performance-based assessment, and simple digital support within the real conditions of schools.

References

- Adeosun, A. T., & Aruleba, T. J. (2025). Advancement of entrepreneurship education through emotional intelligence and social intelligence. *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 13(1), 51-72. <https://doi.org/10.37745/ijssber.2013/vol13n15172>

- Afeli, S. A., & Adunlin, G. (2022). Curriculum content for innovation and entrepreneurship education in US pharmacy programs. *Industry and Higher Education*, 36(1), 13-18. <https://doi.org/10.1177/095042220986314>
- Bauman, A., & Lucy, C. (2021). Enhancing entrepreneurial education: Developing competencies for success. *The International Journal of Management Education*, 19(1), 100293. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2019.03.005>
- Chen, L., Ifenthaler, D., & Yau, J. Y. K. (2021). Online and blended entrepreneurship education: A systematic review of applied educational technologies. *Entrepreneurship Education*, 4, 191-232. <https://doi.org/10.1007/s41959-021-00047-7>
- Chotisarn, N., & Phuthong, T. (2026). Reducing Gaps in Digital Entrepreneurship Education: A Systematic Review of Innovative Learning Strategies and Their Institutional Impact. *The International Journal of Management Education*, 24(1), 101283. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2025.101283>
- Dehaghan, A. A. (2021). *Presentation and validation of a conceptual model and supplementary guide package based on components of career guidance and entrepreneurship in sixth-grade and lower-secondary textbooks* [Allameh Tabataba'i University].
- Delamarre, A., Shernoff, E., Buche, C., Frazier, S., Gabbard, J., & Lisetti, C. (2021). The interactive virtual training for teachers (IVT-T) to practice classroom behavior management. *International Journal of Human-Computer Studies*, 152, 102646. <https://doi.org/10.1016/j.ijhcs.2021.102646>
- Elsa, D., Islami, N., Mahdum, M., Copriady, J., & Putra, Z. H. (2026). Transforming Entrepreneurship Education in the Age of Artificial Intelligence: A Bibliometric Review and Future Research Agenda. <https://doi.org/10.1007/s41959-026-00174-z>
- Mukhtar, S., Wardana, L. W., Wibowo, A., & Narmaditya, B. S. (2021). Does entrepreneurship education and culture promote students' entrepreneurial intention? The mediating role of entrepreneurial mindset. *Cogent Education*, 8(1), 1918849. <https://doi.org/10.1080/2331186X.2021.1918849>
- Olutuase, S. O., Brijlal, P., & Yan, B. (2023). Model for stimulating entrepreneurial skills through entrepreneurship education in an African context. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 35(2), 263-283. <https://doi.org/10.1080/08276331.2020.1786645>
- Rixon, A., Phelan, A., Ekberg, S., Senyard, J., Mashahady, A., Shaw, A., & Birdthistle, N. (2026). Entrepreneurship education for nurses and healthcare professionals: A scoping review and future research agenda. *Nurse Education in Practice*. <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2026.104716>
- Tarrats-Pons, E. (2025). The Power of Passion: Transforming Grit Into Self-Efficacy for Entrepreneurial Growth in Education. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-7123640/v1>
- Tatpuje, D., Jadhav, V., Shewale, R., & Ganbote, A. (2025). Study on Designing a Framework for the Curriculum of the Social Entrepreneurship Education. *Journal of Entrepreneurial Researchers*, 2(2), 093-107.
- Thottoli, M. M., Cruz, M. E., & Al Abri, S. S. S. (2025). The Incubation Revolution: Transforming Entrepreneurial Education with Artificial Intelligence. *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 19(1), 2-23.
- Tittel, A., & Terzidis, O. (2020). Entrepreneurial competences revised: Developing a consolidated and categorized list of entrepreneurial competences. *Entrepreneurship Education*, 3, 1. <https://doi.org/10.1007/s41959-019-00021-4>
- Wang, C., Mundorf, N., & Salzarulo-McGuigan, A. (2022). Entrepreneurship education enhances entrepreneurial creativity: The mediating role of entrepreneurial inspiration. *The International Journal of Management Education*, 20(2), 100570. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2021.100570>
- Widodo, W., Baswedan, A. R., Suyata, P., & Saputra, W. N. E. (2025). Entrepreneurship Education in Vocational Schools: An Indonesian Model. *International Journal of Evaluation and Research in Education (Ijere)*, 14(1), 373. <https://doi.org/10.11591/ijere.v14i1.32317>
- Winarno, A., Aini, D. N., Fuad, M., & Salleh, N. H. M. (2025). The Relationship of Entrepreneurial Education, Social Institutions and Business Experience to the Growth of Small and Medium Industries (Malang Regency Case, Indonesia). *JLSDGR*, 5(5), e06432. <https://doi.org/10.47172/2965-730x.sdgsreview.v5.n05.pe06432>
- Yasmeen, T. (2025). Perspective Chapter: The Role of Educational Leadership in Promoting Entrepreneurship Education in Higher Education – Evidence From Pakistan. <https://doi.org/10.5772/intechopen.1012846>